

فروش اجناس خانه؛

بازار کهنه‌فروشان در کابل هنوز گرم است



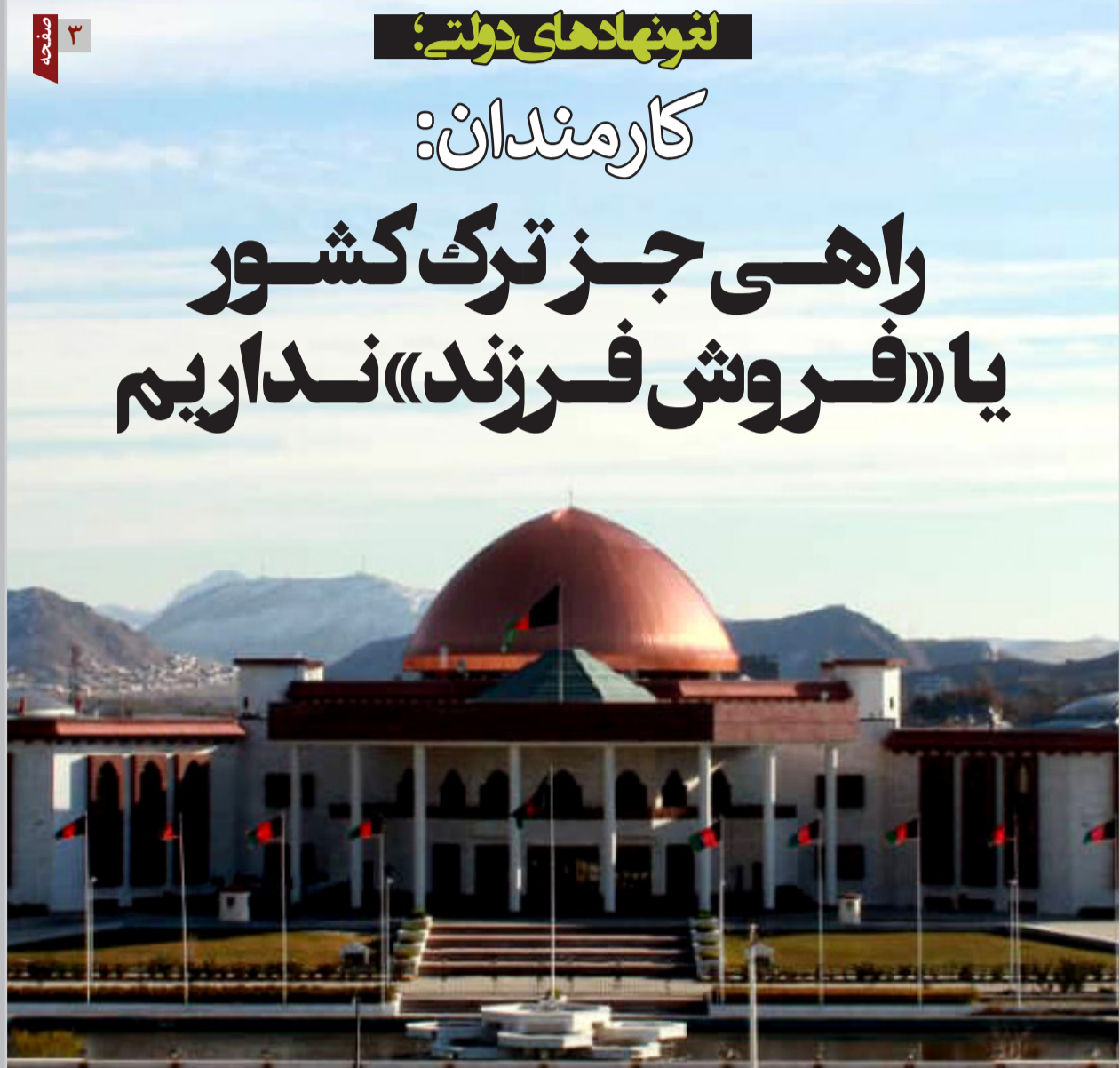
نزدیک به دو سال از سقوط نظام جمهوری به دست طالبان می‌گذرد، اما هنوز هم بازار کهنه‌فروشی‌ها در پایتخت گرم است. باشندگان کابل هنوز دست از مهاجرت برنداشته و یکی پس از دیگری به فکر فرار از کشور هستند. در کنار مهاجرت، فقر و ناداری معضل دیگری است که بازار کهنه‌فروشان را گرم نگه داشته است. با تسلط طالبان بر افغانستان، نظام اقتصادی کشور فروپاشیده و هزاران تن بیکار شده‌اند. نبود درآمد و تلاش برای ادامه حیات، سبب شده که خانواده‌های زیادی لوازم خانه خود را بفروشند.

۵

پیرمرد، نادر نادرپور و آن روز بلرانی

نادر نادرپور را از همان دوران جوانی می‌شناسم. شعرهایش را تا می‌خواندم، مانند آن بود که همه خیال‌های بلند و زیبایی جوانی بر پرده ذهن من نقاشی می‌شدند.

۷



لغو نهادهای دولتی؛

کارمندان:

راهی جز ترک کشور یا «فروش فرزند» نداریم

۳ صفحه

در پنج روز گذشته در هلمند ۱۶ نظامی حکومت پیشین توسط طالبان بازداشت شدند

۸ صبح، کابل: منابع محلی در ولایت هلمند می‌گویند که در پنج روز گذشته، ۱۶ تن از نظامیان حکومت پیشین از سوی طالبان در این ولایت بازداشت شده‌اند. منابع روز دوشنبه، ۸ حوت، می‌گویند که در ۱۵ روز گذشته ۳۵ تن از نظامیان حکومت پیشین به شمول بشیراحمد شاکر، معاون پیشین والی هلمند در این ولایت بازداشت شده‌اند و زیر شکنجه قرار دارند. به گفته منابع، شایعاتی مبنی بر کشته شدن تعدادی از این افراد وجود دارد، اما هنوز تأیید نشده که چه کسی از میان بازداشت‌شده‌گان کشته شده است. منابع می‌افزایند که دستور بازداشت این نظامیان توسط والی طالبان در این ولایت صادر شده است. این در حالی است که منابع روز پنج‌شنبه، ۴ دلو، نیز به روزنامه ۸ صبح گفته بودند که گروه طالبان در هلمند، بشیراحمد شاکر، معاون والی پیشین این ولایت و ۱۸ تن دیگر از کارمندان حکومت پیشین را بازداشت کرده‌اند. منبع به روزنامه ۸ صبح گفته است که این افراد طی چند روز گذشته از شهر لشکرگاه، مرکز ولایت هلمند، بازداشت شده‌اند.



کنسول‌گری افغانستان در استانبول ترکیه به طالبان واگذار نشده است



پیشین سفارت افغانستان در ترکیه به درخواست طالبان، از سوی کشور میزبان صورت گرفته است. این در حالی است که ذاکر جلالی، رئیس بخش آسیایی وزارت امور خارجه طالبان، روز دوشنبه، ۸ حوت، با نشر توییتی اعلام کرد که کنسول‌گری افغانستان در استانبول امروز به این گروه واگذار شده است. گفتنی است که پیش از این طالبان چهار کارمند این کنسول‌گری را برکنار کرده‌اند. سفارت افغانستان در تهران نیز به‌گونه رسمی روز گذشته (یکشنبه، ۷ حوت) به طالبان واگذار شد. فضل‌احمد حقانی، شارژدافیر اعزامی طالبان به سفارت افغانستان در تهران، فردا به کار خود آغاز خواهد کرد.

۸ صبح، کابل: منابع معتبر می‌گویند که کنسول‌گری افغانستان در استانبول ترکیه به طالبان واگذار نشده است و نماینده اعزامی این گروه به‌عنوان دیپلمات عادی کار خواهد کرد. ۸ صبح می‌گویند که گل‌مت خان زدران، دیپلمات اعزامی طالبان به کنسول‌گری افغانستان در استانبول ترکیه، به‌عنوان سرکنسول تعیین شده است و او من‌حیث دیپلمات عادی در این کنسول‌گری کار خواهد کرد. منابع خاطرنشان کرده‌اند که آقای زدران عازم استانبول شده است و او فردا (سه‌شنبه، ۹ حوت)، کارش را به‌گونه رسمی آغاز خواهد کرد. به گفته منابع، جنرال کنسول افغانستان در استانبول به کارش همچنان ادامه خواهد داد. در همین حال، یک منبع معتبر دیگر تأیید می‌کند که تصمیم‌گیری در مورد اعزام این دیپلمات طالبان به ترکیه، در هماهنگی با وزارت خارجه ترکیه گرفته شده است. منبع علاوه کرد که در این تصمیم سفارت افغانستان در ترکیه نقشی نداشته است. علاوه بر این، تصمیم برای پایان کار سه دیپلمات

طالبان در غزنی یک جوان را به دلیل نوشتن مطلب انتقادی در فیس بوک بازداشت کردند

۸ صبح، غزنی: منابع محلی در ولایت غزنی از بازداشت شدن یک جوان از سوی طالبان در این ولایت خبر می‌دهند. منبع از این ولایت روز دوشنبه، ۸ حوت، می‌گویند که طالبان این جوان را از مربوطات حوزه پنجم امنیتی شهر غزنی به دلیل نوشتن مطلب انتقادی در مورد این گروه در بر‌گه فیس‌بوکش، بازداشت کرده‌اند.

فرماندهی امنیه طالبان در ولایت غزنی نیز با نشر خبرنامه‌ای بازداشت این جوان را تأیید کرده و او را به تبلیغ علیه این گروه متهم کرده است. گفتنی است که چندی پیش نیز طالبان یک استاد دانشگاه را در ولایت خوست در پی نشر یک مطلب انتقادی در فیس‌بوکش، بازداشت کرده بودند.

سقوط پس از پرواز؛ دوباره به جایی رسیده‌ایم که ۲۵ سال قبل بودیم

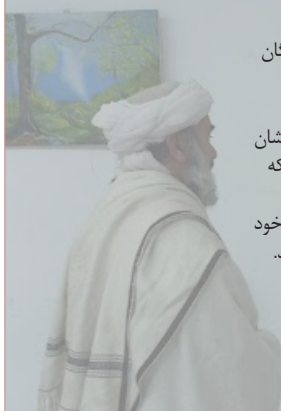


یونیسف در کاپیسا برای پنج هزار دانش‌آموز و ۳۰۰ خانواده شبکه آبرسانی ایجاد کرد



جوانان هرات نمایشگاه نقاشی و خطاطی را در حمایت از زلزله‌زده‌گان ترکیه و سوریه برگزار کردند

۸ صبح، هرات: شماری از جوانان ولایت هرات در حمایت از زلزله‌زده‌گان ترکیه و سوریه نمایشگاه نقاشی و خطاطی را تحت نام «من و نقاشی» برگزار کرده‌اند. برگزارکننده‌گان این همایش روز دوشنبه، ۸ حوت، می‌گویند که هدفشان از راه‌اندازی این برنامه همدردی با مردم زلزله‌زده ترکیه و سوریه بوده که در اثر آن از نگاه مالی و جانی به‌شدت آسیب دیده‌اند. آن‌ها اضافه می‌کنند که با استفاده از برگزاری این نمایشگاه، همدردی خود را به نمایندگی از افغانستان و مردم هرات با آن دو کشور ابراز می‌کنند. این نمایشگاه تا سه روز با نمایش ۴۸ اثر نقاشی و خوش‌نویسی به روی علاقه‌مندان باز خواهد بود. گفتنی است که در اثر زمین‌لرزه در ترکیه و سوریه بیش از ۵۰ هزار تن جان باخته‌اند.





یونیسیف در کاپیسا برای پنج هزار دانش آموز و ۳۰۰ خانواده شبکه آبرسانی ایجاد کرد



۸صبح، کاپیسا: به دنبال نگرانی‌ها از نبود آب آشامیدنی در بخش‌هایی از ولایت کاپیسا، صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسیف) به همکاری موسسه «داکار» برای پنج هزار دانش آموز مکتب و ۳۰۰ خانواده در این ولایت، شبکه آبرسانی سولری ایجاد کرده است.

این شبکه به ارزش ۲۸ میلیون افغانی که کار آن یک سال پیش در سه باب مکتب در مرکز و ولسوالی‌های حصه اول و حصه دوم کوهستان آغاز شده بود، روز دوشنبه، ۸ حوت، به بهره‌برداری رسید.

صلاح‌الدین، رییس موسسه داکار، در هنگام

گشایش این پروژه‌ها گفت که با ایجاد این شبکه‌های آبرسانی، صدها خانواده به‌ویژه کودکان از آب آشامیدنی صحی مستفید شده‌اند.

در همین حال، شماری از ساکنان محلی کاپیسا با ابراز خرسندی از گشایش این شبکه‌های آبرسانی، خواستار تداوم تطبیق این‌گونه پروژه‌ها از سوی نهادهای امدادرسان بین‌المللی در مناطق شان هستند.

گفتنی است که همواره برخی از ساکنان ولایت کاپیسا از نبود آب آشامیدنی صحی در ساختمان‌های مکاتب و شماری از نقاط دیگر این ولایت شکایت کرده‌اند.

مهاجرانی که پاره‌های وطنند

همه آنانی که کشور را ترک می‌کنند، به آرزوهای خود نمی‌رسند و مهاجرت به‌خاطر فرار از استبداد طالبانی و عذاب گرسنه‌گی گاهی کم‌خطرتر از ماندن در افغانستان نیست. در یک‌ونیم سال گذشته روزانه صدها و در مواردی هزاران هم‌وطن به کشورهای همسایه و دورترها کوچیده‌اند و خیلی از آنان در نیمه‌راه‌ها گرفتار مانده، تعدادی به‌مسیرهایی افتاده‌اند که هیچ نمی‌خواستند و کسانی نیز مفقود شده یا اجسادشان به وطن برگردانده شده است. به تازه‌گی کشتی پر از مهاجر در سواحل ایتالیا غرق شد و ده‌ها تن کشته و مفقود شدند. آن‌گونه که انتظار می‌رفت بخشی از قربانیان وطنداران ما بودند. گفته می‌شود در ده سال اخیر، تنها در دریای مدیترانه مرگ و مفقودی ۲۰ هزار تن مهاجر ثبت شده است و بی‌گمان تعداد افغان‌هایی که در آن میان، ده‌ها و صدها نه؛ بلکه هزاران تن بوده است. تلفات مهاجران ما در فاصله بین وطن تا دریای مدیترانه، بسیار بیشتر است. هر ساله تعداد زیادی از آنانی که به امید رسیدن به کشورهای غربی خانه‌های شان را ترک می‌کنند، در دشت‌ها، کوه‌ها و مرزهای پاکستان، ایران و ترکیه کشته و مفقود می‌شوند.

رقم آنانی که با طیاره و از طریق روندهای رسمی به کشورهای دیگر کوچیده‌اند، در برابر این گروه از هم‌وطنان که با هزار سختی و از طریق راه‌های قاچاقی سفر می‌کنند، بسیار ناچیز است. اکثریت مهاجرانی که به مقصد رسیده و در گوشه‌های دیگر زمین کلبه ساخته و کار یافته‌اند، از راه‌های پرخطر قاچاق و با تحمل رنج‌های بسیار گذشته‌اند. رسیده‌ها نیز آن‌طوری که از دور می‌نمایند، وطن بدل کرده و به‌عافیت نرسیده‌اند. مهاجران عناصر زیادی از نیک و بد وطن را با خود می‌برند. افتخارات، عقب‌مانده‌گی‌ها، ننگ‌ها و نام‌های مشترک وطنی با مهاجران می‌مانند و آنان سال‌ها مجبورند برای خود و دیگران به‌چیزهایی پاسخ بگویند، از چیزهایی دفاع کنند و از شرم‌هایی عرق بریزند. وطن با رفتن رها نمی‌شود و حتا اگر میل بریدن یک‌باره در کسی بوجود آید نیز تا سال‌ها در رفتار، زبان، باورها و چهره‌های مهاجران باقی می‌ماند و محیط میزبان دایم خانه اصلی و ریشه‌های فرهنگی‌اش را گوش‌زد می‌کند. سختی از سرگیری زنده‌گی در محیط‌های تازه با محدودیت‌های بسیارش مهاجرت را برای آنانی که از جنگ و گرسنه‌گی با دست‌های خالی می‌گریزند، بسیار پرچالش می‌کند.

این‌روزها به دلیل وضعیت فاجعه‌بار وطن، ترک کشور چون گریز از زندان، با تمام خطرات، ابهام و سرگردانی‌هایش نجات تلقی می‌شود و از همین‌رو رنج‌های مهاجران انعکاس چندان نمی‌یابد و آنان گروه‌گروه و دوامدار، بی‌آنکه سرخط خبرها شوند و حس هم‌مرددی جمعی ما را برانگیزند، قربانی می‌شوند. گویا تعریف سخت و خاکی که از وطن و وطنداری خلق شده، اذهان را دچار خطا می‌کند و ما کمتر می‌توانیم به وطنی فراتر از آن جغرافیا و توت‌هایی که در سراسر جهان پراکنده شده، فکر کنیم. با افزایش نفوس مهاجران و ادامه موج ترک وطن، لازم است که مسایل مهاجرت، حقوق مهاجران و رنج‌های هم‌وطنان خارج از کشور نیز در آجنداهای سیاسی، مدنی و رسانه‌ای شامل و برجسته شوند. زندان‌های کشورهای منطقه پر از هم‌وطنان مایند، کمپ‌ها و شهرهای پاکستان و ایران پر از گرسنه‌گان و بی‌خانمان‌های گریخته از وطنند که بیشترشان نه جای ماندن دارند و نه راه برگشتن. بحران‌های سیاسی و اقتصادی جاری در ایران و پاکستان محیط را برای مهاجران به مراتب بیشتر از گذشته تنگ کرده است. آنان زنده‌گی برزخوار دارند و میان امید بهبود وضعیت وطن یا مهاجرت در کشورهای غربی از یک‌سو و ادامه زنده‌گی در تنگ‌دستی و بی‌سروشستی عذاب می‌کشند. چهره آنان و مسایل‌شان باید در آئینه سیاست و رسانه دیده شوند.

شاهراه کابل - جلال‌آباد به‌روی ترافیک مسدود شد

در ساحه ماهیپور ولسوالی سروبی ولایت کابل و در شاهراه کابل - جلال‌آباد واژگون شده است. وزارت فواید عامه طالبان از تلاش کارمندان حفظ و مراقبت ماهیپور برای بازگشایی شاهراه سخن گفته است.

در همین حال، منابع می‌گویند که شاهراه کابل - جلال‌آباد از ساعت ۲:۰۰ یک‌شنبه شب مسدود شده است.

به گفته منابع، تانکر گاز در پی بی‌احتیاطی راننده واژگون شده است.

شاهراه کابل - جلال‌آباد از مسیرهای مهم ترانزیتی در افغانستان است. این شاهراه کابل را به ولایت‌های شرقی وصل می‌کند.



۸صبح، کابل: وزارت فواید عامه طالبان گفته است که شاهراه کابل - جلال‌آباد در پی واژگون شدن یک عراده تانکر گاز به‌روی ترافیک مسدود شده است.

این وزارت صبح روز دوشنبه، ۸ حوت، در خبرنامه‌ای گفته است که یک عراده تانکر گاز

اوچا: افغانستان بیشترین زمین آلوده با مواد انفجاری در جهان را دارد



۸صبح، کابل: دفتر هماهنگ‌کننده امور بشردوستانه سازمان ملل متحد (اوچا) اعلام کرده است که افغانستان بیشترین اراضی آلوده با مواد انفجاری در جهان را دارد.

اوچا این مطلب را روز دوشنبه، ۸ حوت، در توییتی بیان کرده است.

دفتر هماهنگ‌کننده امور بشردوستانه سازمان ملل متحد گفته که برای پاکسازی اراضی آلوده با مواد انفجاری در افغانستان به ۱۸.۳ میلیون دالر نیاز است. بربنیاد اطلاعات ارایه شده از سوی اوچا، اراضی آلوده با مواد انفجاری جان ۴.۹ میلیون تن را در افغانستان با خطر روبه‌رو کرده است.

طالبان که در حال حاضر بر افغانستان مسلط هستند، در بیش از دو دهه اخیر متهم به بیشترین

ماین‌گذاری در مناطق مختلف در جریان جنگ با حکومت‌های پیشین هستند.

انفجار ماین‌ها و دیگر مواد انفجاری برجا مانده از جنگ‌ها در چند دهه اخیر، هرازگاهی جان شهروندان افغانستان به‌ویژه کودکان را می‌گیرد.

فدراسیون فوتبال افغانستان تیم ملی فوتبال بانوان را دوباره تشکیل می‌دهد

۸صبح، کابل: فدراسیون فوتبال افغانستان که تحت مدیریت طالبان قرار دارد، اعلام کرده است که در نظر دارد تیم ملی فوتبال بانوان افغانستان را که از هم پاشیده است، از ظرفیت‌های خارج از کشور دوباره تشکیل دهد. فدراسیون فوتبال افغانستان تحت مدیریت طالبان روز دوشنبه، ۸ حوت، با نشر خبرنامه‌ای از بانوان فوتبالیست در داخل و خارج از کشور دعوت کرده است تا فوراً ثبت‌نام را تکمیل کنند.

در خبرنامه آمده است: «لازم به ذکر است، پس از بررسی همه‌جانبه توسط کدر فنی جدید تیم ملی فوتبال بانوان افغانستان که به‌زودی معرفی خواهد شد، بازیکنان واجد شرایط به یک کمپ انتخابی دعوت تا سرمربی بازیکنان مدنظرش را برای بازی در تیم ملی فوتبال بانوان افغانستان انتخاب کند.»

گفتنی است که افغانستان پیش از طالبان که با دختران ورزشکار، روبات‌ساز و ارکستر زهره به جهانیان معرفی می‌شد، اکنون با حاکمیت طالبان، در هیچ میدان فناوری، ورزشی و هنری نماینده ندارد.

با روی کار آمدن طالبان در افغانستان، این گروه محدودیت‌های زیادی را بر دختران و زنان کشور وضع کرده است.



طالبان در مرز پل ابریشم نیمروز یک مرزبان ایرانی را بازداشت و لتوکوب کردند

۸صبح، نیمروز: منابع محلی در نیمروز از بازداشت یک مرزبان ایرانی توسط جنگ‌جویان طالب در این ولایت خبر می‌دهند.

منابع روز دوشنبه، ۸ حوت، در صبحت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که طالبان لحظاتی قبل یک مرزبان ایرانی در مرز پل ابریشم نیمروز را به‌دلیل بدرفتاری با یک راننده افغان بازداشت کرده‌اند.

این مرزبان ایرانی پس از لتوکوب یک راننده ترانزیت شهروند افغانستان در مرز پل ابریشم، توسط طالبان بازداشت و لتوکوب شده است.

یک منبع از طالبان در نیمروز نیز به روزنامه ۸صبح تایید می‌کند که این مرزبان هم اکنون نزد آنان زندانی است.

گفتنی است که طالبان پیش از این نیز با مرزبانان ایرانی درگیری داشته‌اند.

این رویداد همزمان با تحویل‌دهی سفارت افغانستان در تهران به طالبان صورت گرفته است.



سرپرست وزارت تحصیلات عالی طالبان مدعی شده که تلاش می‌کند تا نهادهای تحصیلی را به‌گونه‌ای آماده کند که پاسخ‌گوی نیازمندی‌های جامعه و مردم باشند. ندامحمد ندیم از استادان دانشگاه‌ها خواسته است که در کنار موضوعات مسلکی آموزش‌های دینی را نیز به دانشجویان فراهم کنند. گفتنی است که طالبان پیش از این نصاب آموزشی مکاتب در افغانستان را نیز بازنگری کرده‌اند.

۸صبح، کابل: وزارت تحصیلات عالی طالبان از بازنگری نصاب تحصیلی دانشکده‌های زبان و ادبیات، ژورنال‌سیسم و علوم اجتماعی خبر داده است. آژانس خبری باخترا که زیر کنترل طالبان فعالیت می‌کند، گزارش داده که این مطلب را مولوی ندامحمد ندیم، سرپرست وزارت تحصیلات عالی طالبان روز دوشنبه، ۸ حوت، در نشستی در کابل بیان کرده است.

کارمندان راهی جز ترک کشور یا «فروش فرزند» نداریم



طالبان پس از برگشت دوباره به قدرت، دستکم هشت اداره حکومت پیشین را لغو کرده‌اند. وزارت امور زنان، ریاست‌های دبیرخانه‌های شورای ملی، دفتر شورای امنیت ملی، شورای عالی مصالحه ملی، دفتر وزیر دولت در امور پارلمانی، وزارت دولت در امور صلح، کمیسیون‌های انتخاباتی، کمیسیون نظارت بر قانون اساسی و کمیسیون مستقل حقوق بشر از سوی طالبان منحل شده‌اند.

مایان ۳۴۲ تن پاسپورت‌های فامیلی رایگان توزیع گردد تا از کشور خود بیرون گردیم.»



به‌تازگی کارمندان دبیرخانه مجلس سنای حکومت پیشین، پس از یک سال تقلا برای تفری دوباره در نهادهای دولتی، اکنون نسبت به آینده خود ناامید شده و از ریاست‌الوزرای طالبان خواسته‌اند که دستور توزیع پاسپورت رایگان به آن‌ها را بدهد تا برای تأمین نفقه خانواده و امرار معیشت به بیرون از کشور بروند. این کارمندان برکنار شده می‌گویند که با برخورد تبعیض‌آمیز مواجه‌اند و طالبان آنان را «بقایای دوران اشغال» می‌دانند. در نامه‌ای که این کارمندان به ریاست‌الوزرای طالبان فرستاده‌اند، یک نسخه آن در اختیار روزنامه ۸صبح قرار گرفته است. در این نامه آمده است: «با سپری شدن یک سال از انحلال شورای ملی در بی‌سرنوشتی و بیکاری مطلق به سر می‌بریم و از مشکلات اقتصادی نهایت رنج برده حتماً مجبور به فروش لوازم و وسایل خانه‌های مان گردیده‌ایم که اکنون چیز دیگری باقی نمانده و مجبور دست به فروش فرزندان خود بزیم.»

کارمندان دبیرخانه مجلس سنای پیشین در این نامه به محمدحسن آخوند، رییس‌الوزاری طالبان، نوشته‌اند: «به اساس فیصله مورخ ۲۳/۳/۱۴۴۴ کابینه امارت اسلامی و مکتوب متحدالمال ۱۱۸۱ ریاست عمومی اداره امور که به تمامی وزارت‌خانه‌ها و ادارات ارسال گردیده است، مایان کارمندان پیشین ریاست عمومی دارالانشای مشرانوچرگه با مراجعه مکرر به وزارت‌خانه‌ها و ادارات دیگر نتوانستیم که در تعیین سرنوشت و دریافت وظیفه موفق شویم و نیز مسوولین محترم در زمینه هیچ‌گونه پاسخ روشن و قناعت‌بخش ارایه نکرده‌اند.»

در بخش دیگری از نامه این کارمندان آمده است که آنان مطابق حکم ماده ۷۲ قانون کار، درخواستی منتظر با معاش را عنوانی نهاده‌ای مربوطه فرستاده، اما پاسخ مثبت نگرفته‌اند. در نامه آنان همچنان آمده است: «به همین ترتیب عرایض دیگری را جهت تعیین سرنوشت و مطابق ماده ۷۲ قانون کار مبنی بر درخواست منتظر با معاش را خدمت معاونیت اقتصادی ریاست‌الوزرا، معاونیت مالی و اداری ریاست‌الوزرا و معینیت مالی و اداری وزرات مالیه پیش‌کش نمودیم که متأسفانه از این آدرس‌ها هم همکاری و توجه صورت نگرفت.»

در ضمن کارمندان دبیرخانه مجلس سنای دولت پیشین در این نامه به رییس‌الوزاری طالبان نگاشته‌اند که درخواست‌های کاری آنان مورد قبول واقع نشده و مجبور شده‌اند درخواست اخذ پاسپورت بدهند. آنان درخواستی‌شان را به ملا حسن آخوند چنین توضیح داده‌اند: «کار و خدمت به کشور حق و مسوولیت هر افغان است. این‌که برای‌مان با سپری شدن زمان زمینه کاری مساعد نگردید، می‌خواهیم برای تأمین نفقه خانواده‌های مان خارج از کشور برویم که نیاز به دریافت پاسپورت می‌باشد، بناءً از مقام محترم شما خواهشمندیم تا به مرجع مربوط هدایت دهید برای

همه درد و مصیبت را شاهد نمی‌بودم و حداقل قادر می‌بودم تا هزینه بیماری مادرم را پرداخت کنم. آینده نامعلوم، مشکلات روزافزون و اذهان پربشان زنده‌گی را بر همه ما سیاه و تار ساخته است. خودم تصمیم گرفته‌ام تا راه قاچاق را در پیش بگیرم و از کشور بیرون شوم.» احمد شریفی (نام مستعار) کارمند دیگری است که بیشتر از یک سال دروازه نهادهای دولتی را برای پیدا کردن وظیفه زده، اما هیچ دری به رویش باز نشده است. به گفته او، طالبان به غیر از خودشان، دیگران را «میراث اشغال» می‌دانند. او می‌افزاید که هدف از نوشتن عریضه عنوانی رییس‌الوزرای طالبان، درخواست توزیع رایگان پاسپورت است؛ زیرا کارمندان توانایی پرداخت هزینه پاسپورت را ندارند و این گروه یا برای مردم کار بدهند و یا همه را از کشور بیرون کنند.

آقای شریفی علاوه می‌کند: «هدف از ترتیب و تقدیم عریضه این بوده است که در طول یک سال منتظر بودیم اداری که لغو شده‌اند، ماموران باقی‌مانده را نظر به فیصله کابینه و حکم رییس‌الوزرای یک جایی این‌ها [طالبان] برای‌شان وظیفه می‌دادند، بالاخره این کار را نکردند. ما به اداره‌های مختلف رفتیم، دیدیم، همراه‌شان نشستیم، دیدگاه‌شان را گرفتیم، فقط همه مردم را به غیر از خودشان میراث اشغال می‌دانند، با مردم مشکل دارند. فقط غیر از سرگردانی و نگرانی چیز دیگری در انتظار مامورین سابقه نیست. کسانی که از تشکیل بیرون مانده‌اند، الا این‌که واسطه و وسیله دارند، جابه‌جا می‌شوند.»

این کارمند پیشین دولت اضافه می‌کند که آخرین تلاش‌های‌شان تا روز گذشته ادامه داشته، اما آخرین پاسخ رد را دریافت‌اند و امید دیگری برای‌شان باقی نمانده است. او بیشتر توضیح می‌دهد: «دیروز معاون اداری وزارت مالیه در دیدار با همکاران ما صحبت کرد. بالاخره نتیجه این شد که ماموران را جواب دادند. گفتند که ما تشکیلات را خرد ساخته‌ایم، دیگر امکانات برای شما وجود ندارد، شما بروید به خود کاروبار پیدا کنید. کاروبار نیست، از همین خاطر تصمیم گرفته‌ایم به رییس‌الوزرا عریضه نوشته کرده‌ایم که وقتی در این وطن برای ما جایی نیست، کار نیست، حتا کار فیزیکی هم نیست، ما برویم در یک کشور دیگر و یک لقمه نان پیدا کنیم.»

کارمندان دبیرخانه ملغاشده مجلس سنا در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که پس از سقوط جمهوریت ۳۴ تن از کارمندان این اداره بیکار شده‌اند. روزنامه ۸صبح با شماری از این کارمندان صحبت کرده است. آنان می‌گویند که مطابق قانون کار حق انتظار با معاش را دارند و نیز نهادهای دولتی مکلف‌اند کارمندان متضرر را در بست‌های مشابه در نهادهای دیگری بگمارند. این کارمندان تأکید می‌ورزند که با وجود مراجعه مکرر و تعهد عبدالسلام حنفی، معاون اداری رییس‌الوزرای طالبان، از حق انتظار با معاش برخوردار نشده‌اند. یکی از کارمندان این نهاد در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح گفت: «مکتوب منحل شدن اداره‌ها را در ماه ثور داده بودند، اما گفته بودند که از اول حمل اجرائات می‌شود، در حالی که ماموران تا ماه ثور حاضری امضا کرده بودند. عبدالسلام حنفی، معاون اداری، گفته بود که شما را مطابق به قانون کار در حالت انتظار با معاش قرار می‌دهیم تا سرنوشت‌تان تعیین شود و به ریاست‌الوزار پیشنهاد می‌کنیم.» او می‌افزاید که ریاست‌الوزرا موضوع انتظار با معاش آنان را نیز رد کرده است.

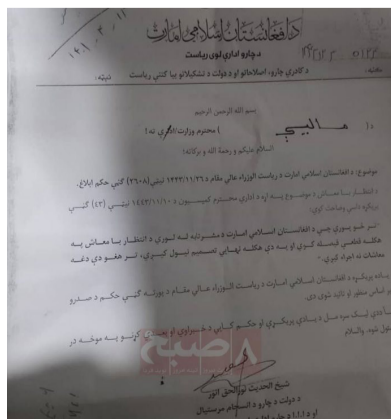
کارمندان دبیرخانه مجلس سنای پیشین می‌گویند که آنان یک سال می‌شود تنخواه و هیچ امتیازی دریافت نکرده‌اند و نه هم در اداره‌های دولتی دیگر جذب شده‌اند. از همین رو، بارها به اداره امور طالبان مراجعه کرده و خواستار تأمین حقوق خود شده‌اند. در نامه‌ای که اداره امور طالبان به وزارت مالیه در مورد عدم اجرای معاش کارمندان فرستاده، چنین نگاشته شده است: «فیصله کمیسیون اداری در رابطه به انتظار با معاش تا زمانی که رهبری امارت اسلامی پیرامون انتظار با معاش فیصله قطعی می‌نماید و در مورد آن تصمیم گرفته می‌شود، تا آن زمان این معاشات اجرا نگردد.»

کارمندان دبیرخانه مجلس سنا در حالی از بی‌سرنوشتی برای درخواست به خاطر ترک گروهی از کشور به طالبان مراجعه کرده‌اند که پیش از این طالبان ۳۷۹ کارمند و کارگر شرکت دولتی «نفت و گاز افغانستان» را از وظیفه برکنار کرده و هیچ امتیاز حقوقی و قانونی برای‌شان در نظر نگرفته‌اند. کارمندان برکنار شده این نهاد به روزنامه ۸صبح گفته‌اند که طالبان افراد وابسته به خود و جنگ‌جویان خود را که فاقد ظرفیت مسلکی و تجربه کاری هستند، به جای آنان استخدام کرده‌اند.

با فروپاشی نظام جمهوری، طالبان شماری از نهادهای دولتی را لغو کردند. طالبان با ملغا کردن شورای ملی، صدها کارمند این نهاد را نیز از وظایف دولتی سبک‌دوش کرده و در حالت بی‌سرنوشتی قرار داده‌اند. کارمندان که ماه‌ها بی‌سرنوشتی و مبارزه طاقت‌فرسا با فقر و درمانده‌گی را تحمل کرده‌اند، اکنون در دوراهی ترک کشور و فروش فرزندان‌شان گیر مانده‌اند. به‌تازگی کارمندان دبیرخانه مجلس سنای پیشین با فرستادن نامه‌ای به رییس‌الوزرای طالبان نوشته‌اند که با درخواست‌های مکرر، اقدامی برای تعیین سرنوشت‌شان صورت نگرفته است. آنان از طالبان خواسته‌اند که به آن‌ها پاسپورت بدهند تا برای تأمین نفقه فرزندان‌شان به بیرون از کشور سفر و در آن‌جا کار کنند. این در حالی است که پیش از این روزنامه ۸صبح به اسنادی دست یافته بود که نشان می‌داد طالبان ده‌ها کارمند شرکت دولتی نفت و گاز را برکنار کرده و به جای آنان افراد وابسته خود را به کار گماشته‌اند.

طالبان پس از برگشت دوباره به قدرت، دست‌کم هشت اداره حکومت پیشین را لغو کرده‌اند. وزارت امور زنان، ریاست‌های دبیرخانه‌های شورای ملی، دفتر شورای امنیت ملی، شورای عالی مصالحه ملی، دفتر وزیر دولت در امور پارلمانی، وزارت دولت در امور صلح، کمیسیون‌های انتخاباتی، کمیسیون نظارت بر قانون اساسی و کمیسیون مستقل حقوق بشر از سوی طالبان منحل شده‌اند.

دفتر رییس‌الوزرای طالبان به تاریخ ۱۴ ثور ۱۴۰۱ نامه انحلال برخی از نهادهای دولتی را صادر کرده است. در این نامه تذکر رفته که تشکیلات کمیسیون حقوق بشر، کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی، دارالانشاهای شورای ملی، شورای عالی مصالحه ملی و شورای امنیت ملی براساس هدایت شفاهی ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان، منحل شده و تاریخ انحلال آن‌ها از اول حمل سال مالی ۱۴۰۱ خورشیدی قابل اجرا است.



انتخاب فدرالیسم به‌حیث نظام‌سیاسی (۴)

امروز ۱۹۲ کشور در سازمان ملل عضویت دارند. در این شمار، چنان‌که در یکی از مقالات قبلی اشاره رفت، تقریباً ۲۸ کشور فدرالی‌اند. اکثر این کشورها یک قرن پیش از امروز با سرحدات کنونی وجود نداشتند و دو قرن پیش از امروز، تنها تعداد انگشت‌شمار آن‌ها ممالک مستقل بودند. هریک از ممالک جهان امروز، داستان پیدایش و تاریخ تکامل سیاسی و جغرافیایی متفاوت و جداگانه‌ای دارد. این داستان‌ها جنگ‌ها، انقلابات، ازدواج‌های درباری، امپراتوری‌های استعماری، قراردادهای بین‌المللی، تقسیمات و قیام‌های مستعمراتی و پروسه‌های صلح‌آمیز و دموکراتیک را شامل‌اند.

ترجمه و تدوین: دکتر محمد داود یار

ریشه‌های نظام‌های فدرالی

در جهان امروز نظام‌های فدرالی متنوع رایج است. هر کدام از این نظام‌ها در شرایط متفاوت شکل گرفته است. تصامیم و رجحانات رهبران سیاسی و عوامل تاریخی-اجتماعی اجتماعات در پیدایش نظام‌های فدرالی نقش داشته‌اند. نظام‌های فدرالی، گاهی جمعیت‌های بشری متفرق را در کشور واحدی جمع کرده و گاه نظام سیاسی را که قبلاً واحد و متمرکز بوده است، نظم و نسق تازه فدرالی بخشیده‌اند. در عده‌ای از موارد، این دو پروسه همزمان و مشترکاً، در تشکیل نظام فدرالی موثر بوده‌اند.

بنابراین، می‌توان گفت که هر نظام فدرالی از بطن شرایط و اوضاع ویژه سیاسی، تاریخی و فرهنگی زاده شده است. کوشش در راه تشخیص اصول عمومی و جهان‌شمولی که بتوان از آن‌ها چون اصول ثابت و همه‌شمول پیدایش و تکامل نظام‌های فدرالی یاد کرد، بنا بر تفاوت تجارب کشورها، به تعمیمات محدودی می‌انجامد. معذالک، هویدا است که در کلیه موارد انتخاب نظام فدرالی، رهبران سیاسی در مورد تقسیم قدرت بین دو سطح حکومت‌داری به توافق رسیده و این توافق را به‌حیث زیربنای سیاسی و اجرایی در قانون اساسی فدرالی کشور خود گنجانده‌اند. هدف اصلی این توافق یا میثاق فدرالی، تحقق اهداف سیاسی گروه‌های غیرمتجانس و کاهش یا پایان بخشیدن به خشونت بوده است.

امروز ۱۹۲ کشور در سازمان ملل عضویت دارند. در این شمار، چنان‌که در یکی از مقالات قبلی اشاره رفت، تقریباً ۲۸ کشور فدرالی‌اند. اکثر این کشورها یک قرن پیش از امروز با سرحدات کنونی وجود نداشتند و دو قرن پیش از امروز، تنها تعداد انگشت‌شمار آن‌ها ممالک مستقل بودند. هریک از ممالک جهان امروز، داستان پیدایش و تاریخ تکامل سیاسی و جغرافیایی متفاوت و جداگانه‌ای دارد. این داستان‌ها جنگ‌ها، انقلابات، ازدواج‌های درباری، امپراتوری‌های استعماری، قراردادهای بین‌المللی، تقسیمات و قیام‌های مستعمراتی و پروسه‌های صلح‌آمیز و دموکراتیک را شامل‌اند. بر این اساس می‌توان گفت که نظام‌های فدرالیسیونی جهان امروز، در قالب جریان‌ات و پروسه‌های وسیع‌تر تاریخی موثر بر ظهور و تشکیل کشورها، به شیوه‌های متفاوت ذیل به وجود آمده‌اند:

اول) در بعضی موارد، انگیزه اصلی انتخاب فدرالی این بوده است که گروه‌های متفاوت اجتماعی در یک واحد مشخص سیاسی جدید، جمع گردند. در چنین حالات، واحدهایی که قبلاً از هم جدا به سر می‌برده‌اند (دولت‌ها یا مستعمرات سابق) تصمیم گرفته‌اند تا بر مبنای منافع و هویت (تاریخی/فرهنگی) مشترک، در نظام فدرالی باهم زندگی کنند. در این‌جا می‌توان پرسید که چرا چنین گروه‌ها، در قطار سایر بدیل‌های سیاسی، نظام فدرالی را برگزیده‌اند؟ پاسخ این است که در ساختار فدرالی، واحدهای متشکله از یک سو تعدادی از خودمختاری‌های قبلی خود را نگه می‌دارند و از سوی دیگر منابع و نیروهای خود را با منابع و نیروهای سایر واحدهای شامل در نظام فدرالی یک‌جا کرده و واحد بزرگ‌تر و قوی‌تری را برای تأمین مقاصد بین‌المللی و اقتصادی به وجود می‌آورند.

دوم) در سایر موارد دیده می‌شود که بعضی از ممالک فدرالی امروز، به غم وجود زبان‌های متعدد، مذاهب و گروه‌های اتنیکی متفاوت و تفاوت‌های چشم‌گیر اقتصاد منطقه‌ای، در بدو امر در قالب نظام واحد مرکزی (اغلب استبدادی و غیردموکراتیک) تشکیل شده بودند. با گذشت زمان، تقاضاهای مردم در جهت اعمار دموکراسی و فشارهای روزافزون آن‌ها بر حکومت مرکزی جهت تفویض صلاحیت‌ها به ارگان‌های محلی، سبب شده است تا سیاستمداران این کشورها فدرالیسم را به‌حیث بدیلی برای نظام واحد-مرکزی بپذیرند تا از اختلاف و نزاع و تجزیه‌طلبی و جدایی جلوگیری کنند. در بعضی ممالک، مناطقی که طالب خودمختاری بوده‌اند، در گذشته واحدهای سیاسی مجزا را تشکیل می‌داده‌اند.

سوم) در بعضی موارد دیگر، دو پروسه فوق همزمان عمل کرده و منجر به تشکیل نظام فدرالی شده‌اند.



در بعضی موارد، انگیزه اصلی انتخاب فدرالی این بوده است که گروه‌های متفاوت اجتماعی در یک واحد مشخص سیاسی جدید، جمع گردند. در چنین حالات، واحدهایی که قبلاً از هم جدا به سر می‌برده‌اند (دولت‌ها یا مستعمرات سابق) تصمیم گرفته‌اند تا بر مبنای منافع و هویت (تاریخی/فرهنگی) مشترک، در نظام فدرالی باهم زندگی کنند.

آن کشور را به دو واحد تقسیم کرد. بدین منوال، دیده می‌شود که تشکیل نظام فدرالی کانادا همزمان با پروسه «گردهمایی» و پروسه «تفویض صلاحیت» (تقسیم یک واحد به دو واحد) توأم بوده است. باید علاوه کرد که نظام فدرالی استرالیا در سال ۱۹۰۱ میلادی در نتیجه گردهم آمدن مستعمرات شش‌گانه بریتانوی در آن سرزمین به وجود آمد.

در امریکای جنوبی، بین سال‌های اخیر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم چهار کشور فدرالی ظهور کرد. این ممالک (ارجنتاین، برزیل، مکزیکو، و ونزوئلا) پس از پایان جنگ مشهور به «جنگ شبه‌جزیره» بین ناپلیون بناپارت و اسپانیا (۱۸۰۷-۱۸۱۴) استقلال خود را به دست آوردند و از آن پس گاهی تحت یوغ دیکتاتوری و گاه در جنگ داخلی به سر می‌بردند. قوانین اساسی و نهادهای فدرالی این ممالک پس از تجربه‌های متعدد و متناوب فدرالی و مرکزی، به مرور زمان ظهور کرد. سقوط دیکتاتوری و استقرار دموکراسی در این ممالک، در سه دهه اخیر به تشکیلات و قوانین اساسی فدرالی آن‌ها حیات تازه‌ای بخشیده است. در شمار چهار کشور نام‌برده، ونزوئلا در حال حاضر توسط نظامی اداره می‌شود که واحد و کاملاً مرکزی است.

تجزیه امپراتوری‌های اروپایی در قرن بیستم میلادی پیدایش فدرالیسم‌های پسا-استعمارتی را در پی داشت. قدرت‌های در حال خروج استعماری نقش مهمی را در ایجاد این فدرالیسم‌ها برعهده داشتند؛ ولی در بعضی موارد، کوشش در راه ایجاد فدرالیسم‌های پسا-استعماری به ناکامی انجامید. هندوستان، پاکستان، مالیزیا و نایجریا توانسته‌اند که نظام فدرالی خود را تا امروز حفظ کنند. این در حالی است که مساعی قدرت‌های در حال خروج استعماری در راه تشکیل فدرالیسم برای مستعمراتی نظیر ویست اندیز، افریقای مرکزی، افریقای غربی فرانسوی و افریقای شرقی با ناکامی مواجه شد. به همین ترتیب، مساعی در راه ایجاد و استقرار نظام فدرالی در ممالک تازه به استقلال رسیده اندونیزیا، مالی و یوگندا با ناکامی برخورد کردند. باید علاوه کرد که فدرالیسم‌های بسیار کوچک بیلاو (Belau)، کوموروس (Comoros)، میکرونیزیا (Micronesia)،

کشور کانادا از ایجاد اونتاریو و کیبک که قبلاً در ساختار سیاسی واحدی مدغم شده بودند، تشکیل شد و سپس ولایات دیگری به آن افزوده گردید. تشکیل هندوستان نیز براساس ترکیب دو پروسه فوق اتفاق افتاد.

مسیر تاریخی فدرالیسم

فدرالیسم در جهان امروز مولود سلسله تحولات سیاسی است که در دو قرن اخیر جهان را فرا گرفت. موج اول فدرالیسم از اواخر قرن هجدهم میلادی آغاز شده و تا اوایل قرن بیستم میلادی ادامه پیدا کرد. این دوران شاهد گرد آمدن کشورهای قبلاً مستقل در قالب‌های فدرالی بود. تاریخ جهانی فدرالیسم در این دوره توسط تجارب ممالکی که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود، رقم خورده است.

ایالات متحده و سویس هر دو در بدو امر ساختار کنفدرالیسیونی داشتند. تجربه کنفدرالیسم در ایالات متحده تنها هشت سال، از ۱۷۸۱ تا ۱۷۸۹ میلادی دوام کرد. این کنفدرالیسم، بیشتر صلاحیت‌های حکومت‌داری را به ایالات تفویض کرده و حکومت مرکزی‌ای را به وجود آورده بود که از نگاه مالی، سیاسی و تقنینی ضعیف و فاقد صلاحیت ثابت شد. با درک نواقص و ضعف‌های نظام کنفدرالیسیونی، ۱۳ ایالتی که بدو در این ساختار گردهم آمده بودند، در سال ۱۷۸۹ شکل دولت خود را از ساختار کنفدرالیسیونی به ساختار فدرالی ارتقا بخشیده و بدین ترتیب، نخستین نظام فدرالی جهان را پایه‌گذاری کردند. در سوی دیگر، تکامل کنفدرالیسم کشور سویس بیش از پنج قرن را در بر گرفت و بالاخره پس از یک دوره کوتاه جنگ داخلی، در سال ۱۸۴۸ با تقلید از قانون اساسی ایالات متحده، شکل فدرالی اختیار کرد.

نخستین قانون اساسی فدرالی آلمان در سال ۱۸۷۱ میلادی تدوین و جاگزین ترتیبات کنفدرالیسیونی ماقبل از خود شد. کشور کانادا در سال ۱۸۶۷ میلادی از طریق گردهم آمدن سه مستعمره بریتانوی در امریکای شمالی در تشکیلات فدرالی به وجود آمد و بعداً از طریق وصلت با واحدهای دیگر توسعه یافت. توافق فدرالی کانادا از یک سو سوسه واحد جداگانه را باهم متحد ساخت و از سوی دیگر، بزرگ‌ترین واحد فدرالی

و سنت کتس و نویس (St. Kitts and Nevis) نیز در نتیجه پروسه استعمارزدایی (decolonization) قدرت‌های اروپایی عرض اندام کرده‌اند.

دومین موج ظهور فدرالیسم در جهان زمانی آغاز یافت که نظام‌های کمونیستی در اروپا با شکست مواجه شده و سقوط کردند. اتحاد شوروی سابق، چکسلواکیا و یوگوسلاویا، سه کشور مهم کمونیستی جهان، اسماً و در ظاهر امر دارای قوانین اساسی فدرالی بودند، ولی در عمل تحت سلطه حکومت تک‌حزبی مرکزی قرار داشتند. در نتیجه عبور به سوی دموکراسی، نهادها و ساختارهای فدرالی این ممالک جنبه عملی اختیار کردند. با وجود این، نهایتاً در نتیجه قلت تجربه دموکراتیک و تنش‌های ناشی از پیچیده‌گی‌های انتقال و تحول، تجارب فدرالی در این ممالک به ناکامی انجامید. معذالک، روسیه که قبلاً نیز در داخل ساختارهای شوروی سابق، دارای ساختار فدرالیسیونی بود، به‌حیث یکی از فدرالیسم‌های پسا-کمونیستی ظهور نمود. در عین حال، بوسنیا هرزگووینا در نتیجه تجزیه یوگوسلاویای سابق با ساختار فدرالیسیونی به وجود آمد. این فدرالیسم تا امروز تحت نظر و قیمومت جامعه بین‌المللی قرار دارد.

تقریباً همزمان با این اتفاقات، عده‌ای از نظام‌های واحد مرکزی به مسیر فدرالیسم راه افتادند. روشن‌ترین مثال این تحول، کشور بلجیم است که در سال ۱۹۹۳ قانون اساسی فدرالی را پذیرفته و مورد تطبیق قرار داد. در سوی دیگر، اسپانیا پس از مرگ فرانسیسکو فرانکو در سال ۱۹۷۵ به نظام‌های دموکراتیک جهان پیوست و با تفویض تعداد زیاد صلاحیت‌های حکومت‌داری به مناطق خودمختار آن کشور، شکل فدرالی اختیار کرد. همچنان، پس از پایان نظام آپارتاید در افریقای جنوبی (۱۹۹۰-۱۹۹۳) این کشور در کنار سایر اقدامات در راه اعمار دموکراسی، قانون اساسی فدرالی را پذیرفت. قانون اساسی فدرالی افریقای جنوبی از قانون اساسی آلمان فدرال الهام گرفته است. عده دیگری از ممالک جهان، نظیر ایتالیا، اندونیزیا، پرو و دولت شاهی بریتانیا قدم‌های وسیعی را در راه تفویض قدرت برداشته، ولی تا هنوز ساختار کاملاً فدرالی را اختیار نکرده‌اند. در نهایت، باید یادآور شد که بحث روی انتقال به نظام فدرالی در بولیوی و فلیپین نیز در سال‌های اخیر جریان داشته است.

امر انتقال به نظام فدرالی، در ممالک پس‌بحران مشکل‌تر از سایر ممالک است. براساس قرارداد دیتن (The Dayton Accord) کشور بوسنیا هرزگووینا در چهارچوب نظام فدرالی تشکیل شد؛ اما تطبیق فدرالیسم در این کشور عملاً با اشکال برخورد کرده و دوام حضور و قیمومت جامعه بین‌المللی را در آن سرزمین ضروری ساخته است. کشور افریقای حبشه پس از سقوط رژیم مینگیستو (۱۹۸۷) دیکتاتور سابق آن کشور، و بدون داشتن سابقه دموکراسی، نظام فدرالی را پذیرفت. سودان، کشور دیگر افریقای، نیز در پایان جنگ داخلی طولانی با جنوب، اصل حکومت‌داری فدرالی را در قانون اساسی خود گنجانید. باید یادآور شد که تطبیق فدرالیسم در حبشه و سودان تا امروز به پخته‌گی و اسقرار لازم نرسیده و با اشکال مواجه است. قانون اساسی کشور کانگو نیز بر اصول فدرالی استوار است. رای‌دهنده‌گان عراق در سال ۲۰۰۵ میلادی به نفع قانون اساسی فدرالی در آن کشور رای دادند؛ اما تطبیق این قانون اساسی تا کنون با اشکال جدی و عدیده دست به گریبان بوده است. در موارد دیگری نظیر سیرلانکا و قبرس، مساعی در راه یافتن نسخه یا فرمولی که بتواند به نزاع و اختلاف بین داعیان منطقه‌ای قدرت پایان بخشد، تا کنون مشکل ثابت شده و به نتیجه مثبت نرسیده‌اند. نپال پس از پایان مبارزه مسلحانه مانوویستی در آن کشور (۲۰۰۷ میلادی) امکان انتقال به بدیل فدرالیستی را مورد مطالعه قرار داد و در نتیجه مذاکرات و توافقاتی که بین گروه‌های سیاسی آن کشور صورت گرفت، امر حکومت‌داری بین حکومت مرکزی و هفت حکومت ایالتی تقسیم شد. باید گفت که موثریت و کارایی این تقسیمات ایالتی در نپال تا کنون با سوال مواجه بوده است.

ادامه دارد...

بازار کهنه فروشان در کابل هنوز گرم است

نزدیک به دو سال از سقوط نظام جمهوری به دست طالبان می‌گذرد، اما هنوز هم بازار کهنه‌فروشی‌ها در پایتخت گرم است. باشندگان کابل هنوز دست از مهاجرت برنداشته و یکی پس از دیگری به فکر فرار از کشور هستند. در کنار مهاجرت، فقر و ناداری معضل دیگری است که بازار کهنه‌فروشان را گرم نگه داشته است. با تسلط طالبان بر افغانستان، نظام اقتصادی کشور فروپاشیده و هزاران تن بیکار شده‌اند. نبود درآمد و تلاش برای ادامه حیات، سبب شده که خانواده‌های زیادی لوازم خانه خود را بفروشند تا مواد غذایی به دست بیاورند و چند شبی را در وطن خود صبح کنند. طالبان اما در فرمان‌های پسین مبنی بر بسته شدن دانشگاه‌ها به روی دختران و به دنبال آن منع کار زنان در موسسه‌ها و نهادهای داخلی و خارجی، دوباره شهروندان کشور را مجبور به مهاجرت کرده‌اند. عده زیادی از افرادی که این روزها با لوازم خانه به کهنه‌فروشی‌ها مراجعه می‌کنند، کسانی‌اند که پس از تسلط طالبان بر کشور بیکار شده و تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند و یا هم بازنشسته‌گانی‌اند که طالبان پول تقاعد آنان را نپرداخته‌اند و از روی ناگزیری به فروش لوازم خانه اقدام می‌کنند.



۸ صبح، کابل

شهر کابل آمده است. او یک قالین ظاهراً جدید را برای فروش با خود آورده است. کهنه‌فروش خودش را به فقیراحمد ۶۳ ساله نزدیک می‌کند و چانه‌زنی میان دو طرف شروع می‌شود. صدای فقیراحمد بلند می‌شود: «اگر معاش تقاعدی‌ام پرداخته می‌شد، فرش داخل خانه‌ام را نمی‌فروختم. حالا مجبور هستم برای خرید مواد غذایی این فرش داخل خانه‌ام را بفروشم.» هر دو مصروف قیمت‌گذاری می‌شوند و پس از گفت‌وگویی مختصر معامله صورت می‌گیرد. فقیراحمد که از انجام این معامله راضی به نظر نمی‌رسد، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که ارزش قالین او دست‌کم ۱۰ هزار افغانی است، اما مجبور شده در بدل چهار هزار و ۵۰۰ افغانی به فروش برساند. او بیشتر توضیح می‌دهد که کارمند دولت بوده و در دو سال گذشته حقوق تقاعدی خود را نگرفته است. این مرد کهن‌سال می‌افزاید که



فقیراحمد، یکی از کهن‌سالانی است که برای فروش لوازم خانه به بازار کهنه‌فروشی‌ها در منطقه ۳۱۵

شهروندان نه تنها از روی ناداری، بلکه برای این که بتوانند مهاجرت کنند، نیز به فروش اجناس خانه اقدام می‌کنند. شبیراحمد، یکی دیگر از کسانی است که موتر مملو از لوازم خانه را به بازار کهنه‌فروشی آورده و حاضر است در بدل نازل‌ترین قیمت بفروشد. شبیراحمد موتر را در کنار یکی از کهنه‌فروشی‌ها توقف می‌دهد و می‌گوید که همه لوازم را برای فروش آورده است. ظاهراً عجله دارد و از همین رو کمتر چانه‌زنی می‌کند. کهنه‌فروش حاضر می‌شود به خانه شبیراحمد برود و همه وسایل خانه‌اش را بخرد.

خودم را به شبیراحمد معرفی و با او چند لحظه‌ای صحبت می‌کنم. شبیراحمد و خانمش روزگاری صاحب وظیفه بودند، اما در ماه‌های پسین هر دو وظایف خود را از دست داده‌اند. نبود درآمد و محروم شدن فرزندان‌شان از آموزش، این زوج را وادار به مهاجرت کرده است.

شبیراحمد استاد یکی از دانشگاه‌های خصوصی بود و خانمش مرضیه در یکی از موسسه‌ها کار می‌کرد. فرمان منع کار زنان در موسسه‌ها، سبب شده که مرضیه وظیفه‌اش را از دست بدهد و منع تحصیل دختران شبیراحمد را از ادامه تدریس دل‌سرد ساخته است. شبیراحمد می‌افزاید که با ادامه این وضعیت، ممکن فعالیت دانشگاه‌ها در بهار پیش‌رو متوقف شود. او علاوه می‌کند: «خانم در یک موسسه کار می‌کرد و بیکار شد. اولادها هم دیگر به مکتب و دانشگاه رفته نمی‌توانند. رییس دانشگاه برایم گفت که از بهار فعالیت‌ها را توقف می‌دهیم و دیگر وظیفه‌ام را از دست می‌دهم. تصمیم گرفته‌ایم که به ایران مهاجرت کنیم تا حداقل اولادها ما از آموزش محروم نشوند.»

تسلط دوباره طالبان بر افغانستان و وضع محدودیت‌های سخت‌گیرانه از سوی این گروه، سبب شده که هزاران شهروند کشور به مهاجرت تن بدهند. آنانی که در کشور مانده‌اند، نیز به دلیل فقر و بیکاری، روزگار دشواری را سپری می‌کنند. در ادامه بحران اقتصادی حاکم در کشور، بیشتر اصناف فعالیت‌های خود را توقف می‌دهند. در تازه‌ترین مورد دانشگاه‌های خصوصی کشور از توقف فعالیت‌های‌شان به دلیل کمبود دانشجویان و محروم شدن دختران از تحصیل، هشدار داده‌اند. طالبان نیز برنامه خاصی برای حل معضل فقر اقتصادی روی دست ندارند.

شهروندان نه تنها از روی ناداری، بلکه برای این که بتوانند مهاجرت کنند، نیز به فروش اجناس خانه اقدام می‌کنند. شبیراحمد، یکی دیگر از کسانی است که موتر مملو از لوازم خانه را به بازار کهنه‌فروشی آورده و حاضر است در بدل نازل‌ترین قیمت بفروشد.

سال‌ها به دولت خدمت کرده و از معاش او مقداری پول کسر شده، اما اکنون خانواده‌اش محتاج لقمه‌ای نان خشک است که میسر نمی‌شود.



سقوط پس از پرواز؛

دوباره به جایی رسیده‌ایم که ۲۵ سال قبل بودیم

در نخستین روزهای حاکمیت دوم طالبان بر افغانستان، کسی جرأت رفتن به ورزشگاه‌ها و میدان‌های ورزشی را نداشت. همه‌جا در سکوت فرو رفته بود. ورزش‌کاران اعم از پسران و دختران در صدد خارج شدن از کشور بودند. نهادها و سازمان‌های مختلف زمینه خروج تعدادی از تیم‌های ورزشی دختران را به کشورهای مختلف مساعد ساختند؛ اما جمع کثیری از این ورزش‌کاران در کشور باقی ماندند و در حصر خانگی قرار گرفتند.

پرویز راهی

سال‌های حاکمیت اول طالبان در افغانستان بر می‌گردد به سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ هجری. از این سال‌ها برای ورزش افغانستان و ورزش‌کاران کشور یک توهم و قصه‌های حیرت‌انگیز به میراث مانده است. آن سال‌ها گوشی‌های هوشمند نبود، اینترنت و شبکه‌های مخابراتی وجود نداشت، رسانه‌های دیداری و رسانه‌های آزاد فعالیت نداشت و همه چیز زیر ریش ملا و مولوی پوشیده و پنهان مانده بود. ورزشگاه‌های غازی در کابل که یگانه محل ورزشی بود، هر از گاهی به محل قصاص و تطبیق احکام شرعی طالبان تبدیل می‌شد. هزاران جوان و پیرمرد با لباس‌های زل‌پوشیده و لنگی‌های سیاه و سفید برای تماشای آن جای تماشاچیان ورزشگاه را پر می‌کردند. این صحنه‌ها دلخراش و برای ورزش‌کاران حیرت‌انگیز و مأیوس‌کننده بود. ورزش‌هایی چون فوتبال، والیبال، کشتی و سایر رشته‌های انفرادی تنها با رعایت حجاب دور از تمامی قوانین و مقررات نافذ ورزش اجازه فعالیت داشتند، معیار قهرمانی برای سران ورزش یاد داشتن احکام شرعی از جمله

فرائض، واجبات و سنت‌های وضو، غسل، نماز و غیره چیزها بود. ورزش‌کاری که میدان مسابقه را برنده شده بود، اگر از امتحان دینی ناکام می‌ماند نمی‌توانست مدال یا حکم قهرمانی ورزش را به دست آورد. باشگاه‌ها و کلبه‌ها در نقاط مختلف خال‌خال فعالیت داشتند و تمرینات‌شان پس از اذان نماز عصر ممنوع بود. نامی و تیمی از ورزش دختران به گوش نمی‌رسید. همه جا و همه چیز مردانه بود. ورزش‌کاران مرد نباید یونیفرم ورزشی به تن می‌کردند. همه از استاد تا شاگرد پیراهن و تنبان و لنگی به تن داشتند. تخلف از این امر باعث تطبیق احکام شرعی بالای ورزشکار «متخلف» می‌شد. براساس همین قیود سخت‌گیرانه طالبان که بر سکتور ورزشی تحمیل کردند، تمام فعالیت‌های ورزش افغانستان در نهادها و سازمان‌های بیرونی به حالت تعلیق درآمد و ورزش‌کاران از اشتراک در رویدادهای خارجی منع شدند. سازمان‌های ورزشی جهان چون کمیته بین‌المللی

المپیک، فدراسیون‌های بین‌المللی، دیگر با کمیته ملی المپیک و تربیت بدنی تحت کنترل طالبان روابط و تعاملی نداشتند. سال ۱۳۸۰ رژیم طالبان از صحنه سیاسی افغانستان کنار زده شد، نیروهای نظامی ناتو و سایر کشورها به سردمداری امریکا وارد افغانستان شدند. حکومت انتقالی و موقت که برآمده از توافق بن بود با ریاست حامد کرزی شکل گرفت. همه جا خرسندی و امیدواری برای آینده بهتر و شگوفاتر در چهره هر جوان و طفل و پیر این سرزمین به مشاهد می‌رسید. کار بازسازی و نوسازی نهادها، تشکیلات جدید اداری و نظامی، فعالیت رسانه‌های همه‌گانی، ایجاد شبکه‌های مخابراتی، آمدن تکنالوژی جدید و سیستم دیجیتال، تلفن‌های هوشمند، ایجاد و فعالیت مراکز تعلیمی و تحصیلی، درمانگاه‌ها، بانک‌های خصوصی و سایر دستاوردهای علمی و تخنیکی‌ای که سایر کشورها قبلاً از مزایای آن مستفید شده بودند، وارد افغانستان شد. کمپنی‌های

بزرگ جهان سرمایه‌گذاری کردند تا سهم‌شان را در رشد و توسعه اقتصادی کشور انجام دهند. هر کشور نسبت به ارسال کمک‌ها به افغانستان پیش‌دستی می‌کرد و خلاصه، نور امید بر دل مردم پرتو افشانی می‌کرد و آینده را برای نسل‌های بعدی‌شان به فال نیک گرفتند. در نخستین روزهای شکل‌گیری حکومت انتقالی و موقت، ورزش افغانستان نیز قد بر افراشت. ورزشگاه‌ها و میدان‌های ورزشی چهره عوض کردند. نور امید بر دل‌های هزاران جوان ورزش‌کار تابیدن گرفت. درب مکاتب و موسسات تعلیمی و تحصیلی و مراکز ورزشی به‌روی دخترخانم‌ها گشوده شد. دختران جوان و نوجوان از مکاتب دخترانه برای رقابت ورزشی به ورزشگاه کابل سرازیر شدند. دیگر جای ترس از کیبل و قنடை و شلاق در دل‌ها نبود. دیگر ملای امر به معروفی وجود نداشت که برای پوشیدن لباس ورزش‌کاران خط و نشان ترسیم کند.

ادامه در صفحه ۶

سقوط پس از پرواز..



این یک رقابت شجاعانه دختران بود که از تمام مکاتب دخترانه شهر کابل جمع شدند و صدای آزادی‌شان را به جهانیان رساندند. صدا زدند که زنان افغانستان هستند، کار می‌کنند، تحصیل می‌کنند ورزش می‌کنند و سهم شایسته‌شان را در بازسازی کشورشان انجام می‌دهند.

حضور این دخترخانم‌ها راه را برای تشویق سایر دختران باز کرد و به زودترین فرصت، صدها دختر وارد میدان‌های ورزشی شدند. باشگاه‌ها، تیم‌ها و مراکز آموزشی زنانه ورزش در مرکز و برخی از ولایات با مدیریت زنان ایجاد و زمینه فعالیت‌های گسترده ورزشی برای بانوان مساعد شد. نخستین اشتراک تیم ورزشی افغانستان در بازی‌های آسیایی ۲۰۰۲ کوریا رقم خورد که حضور فعال و گسترده زنان ورزش کار توانست افغانستان را به‌عنوان یک کشور با فرهنگ در انظار جهان به معرفی بگیرد. کسب مدال برنز توسط دختر خانمی به اسم رویا زمانی، در رشته تکواندو نه تنها سبب افتخار افغانستان پس از حاکمیت طالبان شد، بلکه این مدال گویای شد برای علاقه‌مندی بیشتر دخترها به ورزش. اشتراک تیم‌های ورزشی بانوان در رشته‌های فوتبال، والیبال، باسکتبال، بدنمنون، تکواندو، کاراته، ووشو، جودو، اتلتیک، مشت‌زنی و سایر رشته‌ها در رویدادهای بیرون مرزی بر حقانیت توانایی دختران افغانستان صحنه گذاشت. هیچ رویداد مهم المپیک، جهانی، آسیایی، بین‌المللی و قاره‌ای نبود که دختران ورزش کار در آن شرکت نداشته باشند و مفتخر به کسب مدال و مقام نشده باشند. کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌های ورزشی رفع تعلیق شدند، مناسبات ورزشی در سطح جهان تأمین و روزبه‌روز توسعه پیدا کرد، تا جایی‌که کسب عضویت بورد اجرایی کمیته بین‌المللی المپیک از سوی افغانستان و توسط سمیرا اصغری، ورزش کار باسکتبال کشور، بر واقعیت ورزش دختران یک بار دیگر مهر تایید گذاشت و جایگاه زن افغانستان در بزرگ‌ترین سازمان ورزشی جهان تثبیت شد.

طی ۲۰ سال با کسب بیش از ۳۰۰ مدال از رقابت‌های خارجی، عضویت بورد اجراییه کمیته بین‌المللی المپیک، انتخاب نماینده بانوان ورزشکار در مجلس قانون‌گذاری افغانستان (پارلمان)، مدیریت فدراسیون‌های پینگ‌پانگ، بدنمنون و اتلتیک، بخشی از دستاوردهای مهم و اساسی دختران ورزش کار شمرده می‌شود.

دخترانی که برای تداوم و حفظ دستاوردها و قهرمانی‌های‌شان برنامه‌ریزی کردند، به دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی و باشگاه‌های ورزشی رفتند، درس خواندند، تحصیل کردند و بالاخره ورزش را جزئی از برنامه‌های زنده‌گی‌شان انتخاب کردند، نقش و جایگاه‌شان را به‌عنوان زنان فعال، متساوی‌الحقوق و صحتمند جامعه در بازسازی و عمران کشورشان انجام دادند و راه را برای نسل‌های بعدی هموار ساختند تا دیگر زن در جامعه مردسالار به‌عنوان عضو فعال و متساوی‌الحقوق با مردان شناخته شود.

ولی دریغ و دردا که این همه دستاوردها یک‌شبه خاموش شد. زنان در سراسر کشور از تمام حقوق مدنی و انسانی‌شان محروم شدند.

دیگر صدای دختران ورزش کار خاموش شد و دیگر از حنجره‌شان جمله «زنه باد افغانستان» شنیده نشد.

با حاکم شدن وضعیت کنونی بر فضای ورزش افغانستان گفته می‌توانیم که ۲۰ سال زحمت، تلاش، مبارزه، ترقی، پیشرفت، کسب نام و افتخار برای افغانستان از رقابت‌های خارجی، براننده‌گی زنان و دختران ورزشکار در سازمان‌های معتبر ورزش جهان، اکنون دوباره سناریوی ۲۵ سال قبل روی دست گرفته شده و ما را به زنده‌گی قرون وسطایی سوق می‌دهد. همه داشته‌ها و دستاوردهای دختران و پسران ورزش کار حالا در خطونشان‌های فوق بسته‌گی دارد. بازم بهترین ورزشکار و قهرمان میدان ورزشی کسی است که تحت اوامر و هدایات مقام‌های طالبان ورزش کند.

استاد ندیم (نام مستعار) یکی از استادان کلب پرورش‌اندام نیز با شکایت از وضعیت فعلی ورزش ابراز نارضایتی کرده، می‌گوید: «در یکی از روزها داخل کلب تمرین می‌کردیم که سه نفر از ملاهای امر به معروف داخل کلب شدند. با وجودی که در مقابل‌شان به‌عنوان مهمان برخورد خوب نمودیم، هیچ اعتنایی نکرده، اطراف کلب را دور زدند. پوسترها و تصاویر ورزشی‌ای که در داخل کلب بود همه را پاره کردند، ورزش‌کاران را که مصروف تمرین بودند برای‌شان گوشزد کردند که لباس‌شان شرعی نیست و ستر عورت را رعایت نکرده‌اند، زانوه‌های‌شان معلوم می‌شود و ریش‌های‌شان تراشیده شده یا کوتاه است. برای من هم توصیه‌نامه نوشتند که فرمایش‌های‌شان را قبول و اجرا کنم. من فکر می‌کنم با چنین سخت‌گیری‌ها ما نمی‌توانیم ورزش کنیم، کلب داری کنیم، شاگرد تربیه کنیم و برای افغانستان افتخار کسب کنیم.»

خدیجه (نام مستعار) عضو تیم ملی، یکی از رشته‌های ورزشی است. او پنج سال است که عضویت تیم ملی رشته مربوط را دارد. در چند رویداد ورزشی خارجی شرکت کرده و ۲ مدال برنز و ۱ مدال نقره دارد. او آرزو داشت که این مدال‌هایش به عدد ۱۸ برسد و در رویدادهای المپیک شرکت کند، اما تمام آرزوها امیدهایش با خاک برابر شد. او اکنون با فامیلش در خارج از کشور زنده‌گی می‌کند. او ورزش را رها نکرده، اما به گفته خودش، آن لذتی را که در کشورش در میان دختران هموطنش می‌برد، آن‌جا نیست. وی در یک تماس تلفنی چنین درد دل کرد: «در یکی از مکاتب دخترانه شهر کابل درس می‌خواندم. وقتی از طریق برنامه‌های تلویزیونی می‌دیدم دختران ورزش می‌کنند، در مسابقات شرکت می‌کنند، مدال می‌گیرند، من هم به ورزش علاقه پیدا کردم. روزی به پدرم گفتم می‌خواهم ورزشکار شوم و مثل دیگر دخترها ورزش کنم، مدال بگیرم و شهرت پیدا کنم. پدرم که خود ورزش کار بود، با لبخند پدرا نه پر از محبت گفت: آفرین جان پدر، من هم می‌خواهم که دخترت در پهلوی درس و آموزش، ورزش کند و یک ورزشکار خوب باشد تا مثل سایر دخترها و بچه‌ها برای کشور افتخار کسب کند؛ ولی پدرم در آن لحظه آه سردی کشید و به سخنانش ادامه داده گفت: دخترم در زمان حکومت طالبان، ما که ورزش می‌کردیم بسیار سخت‌گیری‌ها بود. برای ما اجازه گرفتن عکس از جریان مسابقات داده نمی‌شد. ورزشکار باید ریش دراز می‌داشت، لنگی به سر می‌داشت و لباس‌هایی که همه مردم می‌پوشند را به تن می‌داشت. اگر یک ورزش کار در مسابقه حریف خودش را شکست می‌داد، ولی در امتحان دینی ناکام می‌ماند، مستحق گرفتن مدال نمی‌شد. مدال به کسی داده می‌شد که احکام شرعی را خوب می‌دانست. به مسابقات خارجی کسی نمی‌رفت. امکانات نبود و بدتر این‌که در استدیوم، جایی که باید ورزش صورت می‌گرفت قتل و قصاص می‌شد، دست و پای دزدان قطع می‌شد و ده‌ها مشکل دیگر بود. متأسفانه در آن زمان اجازه گرفتن عکس نداشتیم، اگر نه حالا با تصویر برت نشان می‌دادم. امروز شما خوشبخت هستید که این همه امکانات، جمنایوم‌ها، استادان زن و مسابقات مهیا است. تلویزیون‌ها و رسانه‌ها قهرمانان را به جهان معرفی می‌کنند، شهرت پیدا می‌کنند، زمینه سفرها در مسابقات خارجی مساعد است، این همه تشویق و حمایت از ورزش وجود دارد، مه موافق هستم که دخترتم یک ورزش کار قهرمان شود. گفته‌های پدرم مرا هم تکان داد. از یک طرف بسیار متأثر شدم که چرا چنین حکومتی وجود داشته که جوانان و دختران را از حق مشروع‌شان که درس و کار و ورزش است محروم ساخته بودند. از جانب دیگر، بر خود و بر پدر خود افتخار کردم که حالا این زمینه برای من و سایر دختران مساعد شده که می‌توانیم درس بخوانیم، تحصیل کنیم، کار کنیم و ورزش کنیم.»

اما امروز باز قصه‌های ۲۵ سال قبل تکرار شده؛ همو طالب، همو کیبل، همو منع دختران از آموزش و

کار و تحصیل و ورزش در سرزمین ما یک بار دیگر حاکم شده. چرا چنین شد؟ حالا من که از افغانستان خارج شده‌ام، دو رنج دارم: یکی رنج بی‌وطنی و دوم رنج خواهرانم که در داخل کشور در بند اسارت نظام طالبانی قرار گرفته‌اند.»

مژگان یکی دیگر از دختران ورزشکار کشور بود که نه تنها در داخل کشور به‌عنوان ستاره تیمش می‌درخشید، بلکه با اشتراک در چندین مسابقه خارجی درخشش خوب داشت و بیرق افغانستان را به اهتزاز در آورد. او ورزش را عشق خود می‌دانست و در پهلوی آن تحصیلات عالی‌اش را در رشته حقوق و علوم سیاسی به پایان رساند؛ اما حالا از آموخته‌ها و تحصیل علمی و ورزشی‌اش استفاده کرده نمی‌تواند؛ زیرا به‌عنوان پناهنده در یکی از کشورهای خارجی به سر می‌برد. خانم مژگان با ابراز نگرانی از وضعیت موجود ورزش در کشورش می‌گوید: «دل‌م به حال خواهرانم که در افغانستان هستند گریه می‌کند؛ چون آن‌ها نه درس خوانده می‌توانند، نه دانشگاه رفته می‌توانند، نه کار کرده می‌توانند و نه هم ورزش کرده می‌توانند. زنان در افغانستان و زیر حاکمیت طالبان به یک جنس تبدیل شده‌اند که داخل گدام‌ها ذخیره باشند، هیچ‌گونه تحرک، فعالیت و کارهای اجتماعی نداشته باشند. وقتی انسانی از اجتماع جدا می‌شود، به‌عنوان متاع بی‌ارزش محاسبه می‌شود. حالا متأسفانه زنان در افغانستان به همین سرنوشت دچار شده‌اند.» سمیرا اصغری، دختر ورزشکاری است که عضویت تیم ملی باسکتبال را داشت و اکنون در سطح جهان در بزرگ‌ترین سازمان ورزش عضویت دارد و نه تنها از زنان و دختران افغانستان، بلکه از زنان جهان نماینده‌گی و دفاع می‌کند. او ورزش را از دوران مکتب فرا گرفت، عضو تیم ملی باسکتبال شد، در چندین مسابقه خارجی در ترکیب تیم ملی شرکت کرد و افتخارات زیاد در تاریخ ورزشی خود دارد.

خانم سمیرا که عضویت بورد اجرایی کمیته بین‌المللی المپیک را دارد، برای بازگرداندن خواهرانش به ورزش، تلاش‌های زیادی را در خارج از کشور انجام داده و می‌دهد، اما این فعالیت‌ها در داخل افغانستان و تحت تسلط نظام امارت اسلامی طالبان نمی‌تواند بر وضعیت موجود تغییر مثبت داشته باشد. او می‌گوید: «نمی‌دانم که خسارت‌های وارده به ورزش افغانستان را که با متوقف‌سازی تمرینات بانوان و ورزش‌شان و نداشتن برنامه‌های سازنده برای مردان ورزشکار است، چه وقت حکومت طالبان به‌عنوان مسوولان مملکت جبران خواهند کرد؟ ورزش کاران دل‌سردند و در ابهام به سر می‌برند و این وضعیت برای هیچ جوان ورزش کار زن و مرد کشور قابل قبول نیست و تأسف‌بار است. با وجودی‌که من شخصا با کمک مسوولین کمیته بین‌المللی المپیک تمام تلاش‌هایم از یک سال بیشتر به این طرف برای با ثبات شدن و نرمال شدن وضعیت ورزش افغانستان را به خرج دادم؛ اما تا حال جواب قانع‌کننده در برابر خواست‌های IOC نشنیده‌ام.»

وی شرایط کنونی را برای ورزش افغانستان خطرناک می‌بیند. در صورتی‌که ورزش بانوان همچنان در افغانستان متوقف بماند، تمام دستاوردهای ۲۰ سال اخیر کشور که جزو منافع ملی و افتخارات جوانان کشور می‌باشد، ضایع می‌شود و هرچه فعالیت ورزشی بانوان به تأخیر بیفتد، به همان اندازه به لحاظ تکنیکل و حرفه‌ای بودن، به عقب خواهیم رفت و از سویی، نقش پرنرنگی که زنان ورزش کار افغانستان در دو دهه اخیر در منطقه، آسیا و جهان داشتند، به خطر می‌افتد و زنان ناراضی و شاکی می‌باشند با محو شدن نقش‌شان در آبادانی و زنده نگه داشتن نام کشور از طریق ورزش.

درباره کار کمیته بین‌المللی شاهد هستیم که بعد از سال ۲۰۱۰، زمانی‌که کمیته ملی المپیک وقت روابط را با کشورهای جهان، سازمان‌های بین‌المللی ورزشی بخصوص OCA رونق و استحکام بخشید، بعد از آن توجه جهان به ورزش کشور مضاعف شد و طبق آخرین تصمیم بورد اجرایی کمیته بین‌المللی المپیک در تاریخ ۶ دسامبر ۲۰۲۲، این کمیته از سران ورزش در کشور و حکومت طالبان خواهان تبعیت از منشور IOC شد و شامل‌سازی زنان در تمام لایه‌های ورزش شد.

در کنار این، کمیته بین‌المللی المپیک همیشه پاسدار و حامی زنان ورزش کار افغانستان است و من به‌عنوان ملی‌پوش و عضو این سازمان برای ثبات و فراهم‌سازی زمینه فعالیت‌های مجدد ورزش بیشتر از یک سال است که با طالبان گفت‌وگو داریم؛ اما به نظر می‌رسد که این تلاش‌ها راه به‌جایی نمی‌برد و تصمیم سران طالبان، مبارزه با تمام ارزش‌های تاریخی و فرهنگی‌ای است که توسط زنان ثبت تاریخ شده است.

بربنیاد گزارش‌ها، زلزله‌ای با قدرت ۵.۶ درجه ریشتر مالاتیای ترکیه را تکان داده است. خبرگزاری آناتولی گزارش داده که این زمین‌لرزه ساعت ۱۲:۰۴ چاشت روز دوشنبه، ۲۷ فبروری، رخ داده است. براساس معلومات مرکز مقابله با حوادث غیرمترقبه ترکیه (آفاد) مرکز این زلزله منطقه بیشیل‌یورت در مالاتیای بوده است. این زلزله که در عمق ۶.۹۶ کیلومتری زمین رخ داده، در مناطق همجوار نیز احساس شده است. پیش از این نیز در اثر زمین‌لرزه‌های پی‌هم در نقاط مختلف ترکیه و سوریه، بیش از ۵۰ هزار تن کشته شده‌اند.

چاووش اوغلو: گفت‌وگوها روی پیوستن سویدن و فنلند به ناتو از سر گرفته می‌شود

هموار می‌کند.

گفت‌وگوها میان سه کشور پس از آتش‌زدن نسخه‌ای از قرآن توسط یک سیاستمدار افراطی سویدنی، در ماه جنوری سال روان متوقف شد.



مولود چاووش اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه، گفته است که گفت‌وگوها بر سر پیوستن سویدن و فنلند به سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در ماه آینده میلادی از سر گرفته می‌شود.

رویترز گزارش داده که چاووش اوغلو این مطلب را روز دوشنبه، ۲۷ فبروری، در یک نشست خبری بیان کرده است.

وزیر امور خارجه ترکیه گفته که گفت‌وگوها میان طرف‌های ذخیل به تاریخ ۹ مارچ، یعنی تا کمتر از ۲ هفته دیگر در بروکسل از سر گرفته خواهد شد.

چاووش اوغلو در عین زمان تأکید کرده که سویدن هنوز به تعهداتش در تفاهم‌نامه مادرید عمل نکرده است. او گفته است: «متأسفانه ما شاهد گام‌های رضایت‌بخش از سوی سویدن در اجرای تفاهم‌نامه مادرید نبوده‌ایم. این امکان برای ما وجود ندارد که به پیشنهاد سویدن در ناتو بله بگوییم.»

تفاهم‌نامه مادرید توافق سه‌جانبه میان ترکیه، سویدن و فنلند است که راه را برای ورود این دو کشور به ناتو

ناامنی غذایی در کوریای شمالی؛ کیم جونگ اون بزرگ‌ترین کنفرانس کشاورزی را افتتاح کرد

بربنیاد اطلاعات نشر شده، کمیته مرکزی حزب کارگر در این کنفرانس «وظایف فوری ناشی از مرحله کنونی توسعه اقتصاد ملی» را مشخص خواهد کرد.

این نخستین بار است که حزب حاکم کوریای شمالی تنها برای بحث در مورد کشاورزی بی‌پیشینه‌ترین کنفرانس را برگزار کرده است.

کارشناسان کوریای جنوبی گفته‌اند که در حال حاضر کوریای شمالی با کمبود یک میلیون تن غلات روبه‌رو است.

در همین حال، گزارش‌های تأیید نشده حاکی از آن است که تعداد نامعلومی در کوریای شمالی در اثر گرسنگی جان باخته‌اند.

سوءمدیریت، تحریم‌های امریکا علیه کوریای شمالی، حمله روسیه بر اوکراین و افزایش قیمت جهانی غذا، انرژی و کود که تولیدات کشاورزی کوریای شمالی به شدت به آن وابسته است، وضعیت را در این کشور بدتر کرده است.

گفتنی است که دولت کوریای شمالی سالانه به ۵.۵ میلیون تن غلات برای سیر کردن ۲۵ میلیون شهروند این کشور نیاز دارد.

در حالی که حلقه ناامنی غذایی و کاهش غلات در کوریای شمالی با گذشت هر روز تنگ‌تر می‌شود، رهبر این کشور بزرگ‌ترین کنفرانس کشاورزی را برای چاره‌جویی به این مشکل افتتاح کرده است.

آسوشیتدپرس به نقل از رسانه‌های دولتی کوریای شمالی روز دوشنبه، ۲۷ فبروری، گزارش داده که این نشست با حضور سران حزب حاکم کارگر این کشور برگزار شده است.



طالبان: در عملیات پر مخفیگاه داعش در کابل، دو داعشی کشته شدند و یک تن بازداشت شد

طالبان افتاده است.

سختگوی طالبان مدعی شده که در این عملیات به جنگ‌جویان این گروه آسیبی نرسیده است.

پیش از این، باشنده‌گان ناحیه هفدهم شهر کابل از شنیدن صدای نزدیک به ۱۵ انفجار هنگام درگیری میان جنگ‌جویان داعش و طالبان در شهرک ذاکرین خبر دادند.

هفته گذشته نیز طالبان مدعی شدند که بر یک مخفیگاه داعش در کارته نو، از بخش‌های مربوط به ناحیه هشتم شهر کابل، حمله کرده‌اند. جزئیات این رویداد هنوز همگانی نشده است.

۸صبح، کابل: طالبان مدعی شده‌اند که با راه‌اندازی عملیات بر یک مخفیگاه داعش در شهر کابل، دو جنگ‌جوی این گروه را کشته و یک تن دیگر را بازداشت کرده‌اند.

ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان، در رشته توییت‌هایی گفته که این عملیات شامگاه یکشنبه، ۷ حوت، در شهرک ذاکرین کوتل خیرخانه، از بخش‌های مربوط به ناحیه هفدهم شهر کابل، راه‌اندازی شده است.

به گفته مجاهد، در این عملیات یک واسکت‌انحاری و مقداری از مهمات جنگ‌جویان داعش نیز به دست

لیونل مسی بهترین بازیکن فیفا در سال ۲۰۲۲ انتخاب شد



سال ۲۰۱۹ این جایزه را کسب کرده بود.

کریم بنزما، مهاجم ریال مادرید و کیلیان امباپه، مهاجم تیم پاری سن ژرمن از دیگر نامزدان این جایزه بودند.

در کنار مسی، الکسیا پوتلاس، بازیکن تیم ملی اسپانیا و باشگاه بارسلونا در بخش زنان، بهترین بازیکن ۲۰۲۲ فیفا انتخاب شد.

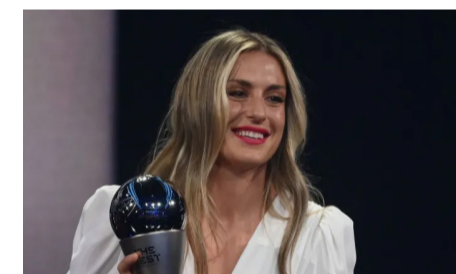
بهترین مربی در بخش مردان لیونل اسکالونی، مربی تیم ملی آرژانتین و در بخش زنان سارینا ویگمن، مربی تیم ملی زنان انگلستان، انتخاب شدند.

جایزه بهترین دروازه‌بان نیز در بخش مردان به مارتینز، دروازه‌بان تیم ملی آرژانتین و در بخش زنان به مری اریس، دروازه‌بان تیم ملی انگلستان و تیم زنان باشگاه منچستر یونایتد رسید.

مراسم جوایز فیفا از سال ۲۰۱۶ به این سو برگزار می‌شود.

لیونل مسی، کپتان تیم ملی آرژانتین و بازیکن باشگاه پاری سن ژرمن، بهترین بازیکن سال ۲۰۲۲ فیفا شد. مراسم جوایز فیفا دوشنبه‌شب، ۲۷ فبروری، در شهر پاریس فرانسه برگزار شد.

مسی پس از نقش خیره‌کننده در قهرمانی آرژانتین در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر، توانست برای دومین بار جایزه بهترین بازیکن سال را از آن خود کند. او بار نخست در



تعداد کشته‌گان کشتی غرق شده پناهجویان در ایتالیا به ۶۲ تن رسید



در گزارش آمده است که ده‌ها تابوت در یک سالون ورزشی در شهر همسایه کروتونه قبل از مراسم تشییع جنازه گذاشته شده‌اند؛ زیرا مردم محلی برای نشان دادن احترام خود گل و شمع را روی تابوت‌های آنان می‌گذارند.

این در حالی است که بربنیاد گزارش‌ها، قایق بادبانی چوبی حامل پناهجویان افغان، پاکستانی و ایرانی، روز یکشنبه، ۷ حوت، در پی برخورد با یک صخره در نزدیکی سیتیکاتو دی کوترو، از مربوطات سواحل جنوبی ایتالیا، غرق شد.

سفارت افغانستان در ایتالیا تا کنون رقم مشخصی از قربانیان افغان در این رویداد ارایه نکرده است. گفتنی است که پس از تسلط طالبان بر افغانستان، صدها هزار تن از کشور فرار کرده و راه مهاجرت را به‌گونه قانونی و غیرقانونی در پیش گرفته‌اند.

۸صبح، کابل: بربنیاد گزارش‌ها، شمار کشته‌گان قایق غرق‌شده حامل پناهجویان به شمول شهروندان افغانستان در سواحل ایتالیا، به ۶۲ تن رسیده است.

خبرگزاری رویترز روز دوشنبه، ۸ حوت، گزارش داده است که از میان این ۶۲ تن، ۱۴ تن آنان را کودکان تشکیل می‌دهند.

سرجیو دی داتو، هماهنگ‌کننده پروژه سازمان داکتران بدون مرز (MSF) به رویترز گفته است: «ما با یک بازمانده ملاقات کردیم که همراه خواهرش از افغانستان از دست طالبان فرار کرده بود. او زنده نماند.»

مقام‌های ایتالیایی گفته‌اند که ۸۰ تن از این فاجعه جان سالم به در برده‌اند، اما گمان می‌رود که بین ۱۸۰ تا ۲۰۰ تن هنگام خروج از ترکیه سوار کشتی شده‌اند که نشان می‌دهد ممکن است تعداد زیادی از مسافران کشته یا مفقود شده باشند.